

فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی

محمدحسن جالیان چالشتری*

استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۸

دریافت: ۹۳/۷/۲

چکیده

در مطالعه زبان‌های کهن ایرانی، مسائل نحوی از اقبال چندانی برخوردار نیستند و زبان سغدی هم از این مسئله مستثنی نیست. به این دلیل که متون بازمانده سغدی عموماً ترجمه‌هایی از زبان‌های دیگر تشخیص داده شده‌اند، دانشمندان کمتر به بررسی نحوی این متون اهتمام ورزیده‌اند. تعیین میزان تأثیرگذاری زبان‌های مبدأ بر نحو زبان متون سغدی از سویی و وجود تمایز بین گونه‌های مختلف زبانی آن از دیگر سو، خود مسائیلی هستند که بدون بررسی نحوی و مقایسه ساختارهای مشابه در این گونه‌های زبانی قابل دسترسی نیستند و این امری است که تاکنون به صورت جدی انجام نپذیرفته است. در این نوشتار به بررسی افعال تابع دو فعل وجهی مهم در زبان سغدی پرداخته شده است. این دو فعل $S-C$ - «بایستن» و $k-m$ - «خواستن» هستند. در بررسی‌های پراکنده انجام‌شده در نحو سغدی عموماً تنها به کاربرد آن‌ها با مصدر توجه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که تابع این دو فعل متنوع‌تر از آن است که پیشتر تصور می‌شد. کاربرد با گونه‌های مختلف مصدر و نیز وجود فعلی مختلف در جملات پیرو، صورت‌های نحوی دیگر این افعال هستند. فعل $C-S$ - در متون غیر بودایی بسامد بسیار محدودتری دارد و تنوع افعال تابع آن نسبت به $k-m$ - کمتر است، اما بسامد کاربرد $m-k$ - در متون بودایی و مسیحی نسبتاً برابر است و امکان مقایسه و بررسی آماری را بیشتر فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: فعل تابع، فعل وجهی، فعل ماضی، مصدر مضارع، مصدر ماضی، فعل صرف‌شده.

۱. مقدمه

بررسی دقیق و آماری مسائل نحوی زبان‌های باستانی و میانه ایرانی موضوعی است که تاکنون مجال انجام نیافته است و کتاب‌ها و مقالات تدوین شده در مورد دستور این زبان‌ها نیز غالباً به مطالعه کلی و جامع مسائل دستوری آن‌ها پرداخته‌اند. این موضوع در مورد زبان سغدی نیز که به لحاظ کثرت و تنوع آثار باقی‌مانده و اعتبار تاریخی آن- به عنوان زبان میانجی جاده ابریشم در زمان اوچ شکوفایی و گسترش آن- مهم‌ترین زبان ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید، صادق است. به رغم تصحیح و

ویرایش چندباره مton بازمانده از این زبان و نگارش چند رساله و مقاله در مورد دستور آن، مطالعات انجام شده هنوز از مسائل خطي، آويي و صرفی، آن هم در حد کلّی نگری، فراتر نرفته است. با چنین کاستی هایی نمی توان انتظار وجود تحقیقاتی دقیق در زمینه مسائل نحوی این زبان داشت. نخستین اثری که تا حدی می توان در آن برخی موضوعات نحوی زبان سغدی را یافت، رساله دکتری هستن است که به مقایسه برخی از نکات نحوی سه زبان سغدی، ختنی و فارسی دری پرداخته است (Vide. Heston, 1976). دومین اثری که در آن مباحث مربوط به نحو زبان سغدی مطرح شده، نگاشته یوشیدا است که به گونه ای مختصر نگاهی کلّی به نحو این زبان افکنده و به ضرورت اختصار، تنها به طرح برخی موضوعات نحوی پرداخته است (Vide. Yoshida, 2009).

در نوشتار حاضر به بررسی انواع صورت های افعال تابع دو فعل و جهی در زبان سغدی پرداخته شده است. این دو فعل و جهی $C's$ و $C'm$ هستند. در مورد افعال تابع این دو فعل پیشرت نظراتی ارائه شده است. دو پرسشی که در این پژوهش مورد نظر است این است که:

الف. آیا آنچه محققان در مورد چگونگی افعال تابع این دو فعل بیان کرده اند، بیانگر تمامی واقعیتی است که از بررسی متون برمی آید یا می توان از متون موجود علاوه بر آنچه محققان ذکر کرده اند، نمونه هایی به دست آورد؟

ب. آیا می توان با بررسی این افعال در گونه های مختلف زبانی سغدی در کنار مسائل آوایی، صرفی و واژگانی، وجه تمایز دیگری در بین این گونه ها یافت؟

۲. پیشینه و شیوه تحقیق

در دو اثری که در بالا ذکر شد، به چگونگی افعال تابع این دو فعل پرداخته شده است. هستن کاربرد $C's$ را تنها با مصدر ماضی دانسته و در مورد $C'm$ علاوه بر مصدر، به کاربرد فعل تابع در جمله پیرو نیز اشاره کرده است؛ هرچند آن را نادر برشمرده است. یوشیدا کاربرد هر دو فعل را تنها با مصدر دانسته و به امکان باهم آیی این افعال با جمله پیرو هیچ اشاره ای نکرده است.

در پژوهش حاضر پس از استخراج تمامی موارد کاربرد این دو فعل در امهات متون سغدی و بررسی و تعیین صرفهای مختلف افعال تابع، اقدام به ارائه دسته بندی انواع آن شده است. متون مورد بررسی در این پژوهش به ترتیب سال انتشار به قرار زیر هستند:

۱. متون سغدی (۱) (Vide. Müller & Lentz, 1912); ۲. متون سغدی (۲) (Vide. Henning, 1937); ۳. یک کتاب مانوی شامل دعا و استغاثه (Vide. Benveniste, 1946); ۴. متون سغدی (Vide. Schwartz, 1967); ۵. وستره جاتکه (Vide. Benveniste, 1940); ۶. پژوهش هایی در متون سغدی مسیحی (Vide. Müller, 1934); ۷. سوتای علت و معلوم اعمال به زبان سغدی (Vide. Müller, 1934).

(MacKenzie, 1970)؛ ۸. متون سعدی بودایی کتابخانه بریتانیا (Vide. MacKenzie, 1976)؛ ۹. یک کتاب تمثیلی سعدی مانوی (Vide. Sundermann, 1985)؛ ۱۰. دستنویس سعدی مسیحی C2 (Vide. Sims-Williams, 1985)؛ ۱۱. استناد سعدی آسیای میانه و سمیرچیه (Vide. Livšič, 2008). بسیاری از متون سعدی دیگر نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند که به دلیل عدم کاربرد این دو فعل در آن‌ها و نیز پرهیز از طولانی شدن مطلب به ذکر نام آن‌ها نمی‌پردازیم. گفتنی است تلاش شده است تا حد امکان تمامی نمونه‌های موجود از کاربرد این دو فعل، از متون استخراج شود و از جملاتی که ریختگی‌ها و افتادگی‌ها امکان دستیابی به ساختار جمله را غیر ممکن می‌ساخت نیز صرف‌نظر شده است. به دلیل شباهت و یکسانی بسیاری از جملات نیز از آوردن همه شواهد خودداری و تنها به ارائه نمونه‌ها اکتفا شده است.

از آنجا که بسامد کاربرد فعل $S'c^-$ در متون مسیحی نسبت به متون بودایی بسیار محدودتر است، مقایسه آماری انواع افعال تابع این فعل در این دو دسته از متون سعدی نتیجه دقیقی دربرخواهد داشت؛ بنابراین در مورد این فعل تنها به دسته‌بندی و ارائه شواهدی از انواع صورت‌های فعلی به‌کاررفته با آن پرداخته خواهد شد. اما کاربرد فعل $k'm^-$ در هر دو دسته از متون، بسامد نسبتاً برابری دارد و مقایسه آماری می‌تواند حاوی نتایج معناداری در شناخت یکی دیگر از وجوده تمایز زبانی متون مسیحی سعدی در برابر متون بودایی سعدی باشد.

$S'c^-$

از مهم‌ترین افعال وجہی زبان سعدی است و بیانگر الزام و اجبار است. این فعل دارای صرف ناقص است، بدین معنا که همواره به صورت سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود. عامل فعل تابع این فعل معمولاً ضمیر منفصل یا متصلی است در حالت غیر فاعلی^۱ (Heston, 1976: 213; Yoshida, 2009: 312) و در صورت عدم حضور عامل، جمله معنای عام و غیر شخصی^۲ دارد. این فعل در معنای «بایستن» گاه به صورت فعل Tam' نیز کاربرد دارد، اما اغلب کاربردهای آن به صورت فعل وجودی است. قاعدة کلی این است که فعل تابع این فعل به یکی از دو روش زیر پس از آن قرار گیرد:

الف) به صورت مصدر مضارع یا مصدر مضاری^۳ بدون فاصله یا با فاصله پس از $S'c^-$ و استههای مصدر ممکن است پیش از $S'c^-$ قرار گیرند و یا بین $S'c^-$ و مصدر فاصله ایجاد کنند. در جملات حاوی دو یا چند مصدر تابع، امكان وقوع هر دو مصدر مضارع و مضاری به صورت همزمان وجود دارد. ب) به صورت فعل صرف‌شده در یکی از وجوده التزامی^۴ و تمنایی^۵ در جمله پیرو. در این صورت جمله پیرو با یکی از حروف ربط (ZY و PZY^۶) در متون بودایی، ty' در متون مانوی و qt در متون مسیحی آغاز می‌شود. موارد استثناء در ادامه مقاله خواهد آمد.

۳-۱. فعل تابع به صورت مصدر مضارع ظاهر شده است:

P2.14-15: rtšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'št cnn 'krt'nyh zw'rty (pres. inf. of zw'rt-)

او باید از کار ناصواب روی بگرداند (Benveniste, 1940: 4)

Dhy 11-12: rtyšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct wyrmnny wy'ky skw'y (pres. inf. of 'skw-)
rty 'nwšt'w n'mcy βwðh swc'y

او باید در جایی آرام بماند و همه بوی‌های نامی را بسوزد (MacKenzie, 1976: 54-55)

Dhy 23-25: rty kō p'zn wyc't f' pw'yc't rty šy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct ZK zβ'k
'syw'y'y (pres. inf. of 'syw'y-) 'sky k'γkyh ptšty'y (pres. inf. of ptšty-) 'PZY ZKw kwc'kh 't
cšmw mytk δ'r'y (pres. inf. of δ'r-)

اگر ذهن برزد یا آشفته گردد او باید زبان را بلند کند [و] در کام دهان قرار دهد و دهان و چشمان را بسته دارد (Ibid)

Dhy 66-71: rty šy (pers. pron. 3 sg. obl.) tymn s'ct prw kwzp'w'y ntwys'y (pres. inf. of 'ntwys-) rty wβyw βwðh nyδβ'yz'y (pres. inf. of nyδβ'yz-) 'PZY 'sprym'y δr'ş'y (pres. inf. of δr'ş-) 't ZKw 'stwpw pr'wp'y (pres. inf. of pr'wp-) 't z'yh δ'w'y (pres. inf. δ'w-) of 'PZY 'wyn pwrsnky sn'm δbr'y (pres. inf. of δbr-) 'PZYms 'wyn m'tyh 'BY' <mwck> 'tn γwštk ZKw γr'yw prsm'y (pres. inf. of prsm-) 't 'rwynt'y (pres. inf. of 'rwynt-) 'PZY sn sn'y'y (pres. inf. of sn''y-) 't sm''ðn wn'y (pres. inf. of wn-) 'PZYsn ZKw p'ðt nð'w'y (pres. inf. of 'nð'w-) rty prw ctþ'r kyr'n pyntp'tw wn'y (pres. inf. of wn-).

پس او باید مشتاقانه بکوشد و هم بوی‌ها بسوزد و هم سپرغم برا فشاند و معبد را بروید و زمین را بیندايد و انجمن راهبان را استحمام کند (همان‌گونه که) مادر و پدر و [آموزگار] و سرور را، تن ایشان را بمالد و برانگیزد و آن‌ها را بشوید و روغن بمالد و پای آن‌ها را بمالد و بر چهار کران درخواست صدقه کند (Ibid: 56-59).

در این مثال دوازده فعل مشخص شده همگی مصدر مضارع و تابع s'ct هستند.

STii 6.35: 'tms ny s'št pr γnt' qryt qyn d'r (pres. inf. of d'r-).

نباید نسبت به گاهکاران کینه داشت (Müller-Lentz, 1934: 36)

STii 8.5: s'št r'm'nt prymyð frynh "p'y'y (pres. inf. of "p'y-).

باید همیشه بدین‌گونه توجه کرد (Ibid: 46)

۳-۲. فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است:

P2.15-16: rty wyspny w'tð'rt'y 'pw pckwyr' s'št krty (past inf. of krt) cnn mrcyh

همه جانداران را باید از مرگ بی‌بیم کرد (Benveniste, 1940: 4)

P2.62: L' s'št ptγwsty L' s'št ZKw y'tk γwrt (past inf. of γwrt)

نباید کشتار کرد و نباید گوشت خورد (Ibid: 6)

VJ 211: rty 'γw c'n'kw s'ct krty (past inf. of 'krt)

با او چه باید کرد (Benveniste 1946: 16)؛ قریب ۱۲۸۳: (۶۷).

VJ 256-258: βγ' γwt'w 'γw wyspyðr'k ZY L' s'ct ptwsty (past inf. of ptwsty)

ای سرور و ای خداوند! شاهزاده را نباید کشت (*Ibid: 18*; همان: ۶۸).^۷

MSP, b 175: rtms myð s'št (m)[wryt] (past inf. of mwrt)

.(Sundermann, 1985: 31)

MDii, B 17,18-19: rtkð (w)'nkw w'xrš ''t ZY mn' (pers. pron 1 sg. obl.) trts'r s'c't k'm
'wxšt (past inf. of 'wxšt)

.(Livšic, 2008: 128)

MDii, Nov 1v1-4: cw ZKn βγy (x)wβw w'γ-wnch prm'nh 'skw't ky-ZY βγ mn' (pers.
pron 1 sg. obl.) βntk mrtv s'c't ptywšty (past inf. of ptywšt) rtβγ prm'y nšt' ZY-βγ ZKwh βγy
<prm'nh> prw srw pcyrβ'n.

اگر فرمان آن سرور و خداوند چنین باشد که من بنده مرد باید بشنوم پس بفرمای دستور دادن تا

من فرمان آن سرور را بر سر پذیرم (Livšic, 2008: 111; Heston, 1976: 213)

STi 57.16: 't pr[ymyd] fryn s'[št] [m']t (past inf. of m't).

.(Müller, 1912: 57)

۳-۲. در مواردی افعال تابع به صورت مصدر ماضی و مضارع بدون تقدّم در قرارگیری، در کنار هم آمده‌اند. به‌کاررفتن همزمان و به‌ویژه عدم ایجاد تمایز در تقدّم و تأخّر مصدرهای ماضی و مضارع تنها می‌تواند نشان‌دهنده برخورد یکسان و می‌تمایز با این دو گونه مصدر در این ساخت باشد.

Padm 28-30: rtšy prymyð ywk' s'ct ZK pyr δryt (past inf. of δryt) ZY pr wyspw w'tð'r
ZKw z'ry m'n wn'y (pres. inf. of wn-) rty przγ'm ZKw δbnh L' 'ny'yz'y (pres. inf. of 'ny'yz-).
باید که بدین آموزه ایمان داشته باشد و بر همه جانداران رحمت آورد و هرگز تردیدی نیانگیزد

.(MacKenzie, 1976: 14-15)

Dhy 78-79: rtyšy (pers. pron. 3 sg. obl.) s'ct 'rn̄h 'nz' 'n'y (pres. inf. of 'nz' 'n-) 't 'γsn'm
'ywšty (past inf. of 'ywšt).

او باید به گناهنش اعتراف کند و درخواست بخشایش کند (*Ibid: 58-59*).

۳-۳. در شواهدی فعل -s'c- به همراه جملهٔ پیرو آمده است. چنان‌که پیشتر اشاره شد، یوشیدا (Vide. 312 2009) اشاره‌ای به این گونه ساختار نکرده است و تنها قائل به کاربرد آن با مصدر شده است. هستن نیز کاربرد با جملات پیرو را در مورد این فعل نادر برشموده است (Heston, 1976: 213). در این ساختار جملهٔ پیرو با یکی از حروف ربط ZY و PZY (در متون بودایی)، 'ty (در متون مانوی) و qt (در متون مسیحی) آغاز می‌شود. فعل تابع در این ساختار در یکی از وجودهٔ تمنایی و التزامی ظاهر می‌شود.

۳-۴-۱. فعل تابع در جملهٔ پیرو در وجه تمنایی است:

Dhu 22-23: rty nwkr šm'γw (pers. pron. 2 pl.) pwtystþt s'ct 'PZY pr'ym'yd wkry šw'yšð'
(opt. 2.pl. of šw-).

اکنون شما بوداسفها باید بدین گونه رفتار کنید (MacKenzie, 1976: 34-35).

Dhu 91-92: rty^{βn} (encl. pers. pron. 2 pl. obl.) s'ct 'PZY šw pr wyzrw p'zn ny'wšyδ (opt. 2 pl. of ny'wš-).

شما باید با دلی درست بدین گوش کنید (Ibid: 38-39).

Dhu 165-166: rty ms ZK (article sg. masculine nom. instead of obl.) δ'w-t' šm'ny pyrnm s'ct 'PZYn ZKw p'zny 'spy 'bs'cy (opt. 3 sg. of 'bs'-c-).

و نیز شمن دهوته باید نخست اسب ذهن را رام کند [متن: تعلیم دهد] (Ibid: 42-43). مکنزی βs'cy را مصدر مضارع دانسته است (Ibid: 147). اما با توجه به اینکه این فعل در جمله پیرو واقع شده است، باید صورت صرفشده باشد نه مصدر.

STii 6.35-36: p' w'nw s'št qt pr wyšnt cwpr y'n xwžym (opt. 1 pl. of xwž-) cn bγ'

بلکه چنین باید که از خداوند بر ایشان عطا خواهیم (Müller-Lentz, 1934: 46)

C2, 31r5: yd 'yšt ms ny (z)γ'm 'xst s'št qt zyyrt bynt (passive opt. 3 pl. of zyyrt)

حتی نباید این چیزها «مجادله» خوانده شوند (Sims-Williams, 1985: 70).

۳-۴-۲. فعل تابع که در جمله پیرو در وجه التزامی آمده است. تنها شاهد این ساختار مربوط به متون مانوی است:

BBB, f 12-15: 'rtkδ' cywyδ γyrt 'yδc δβyš 'ys't 'rtšw (encl. pers. pron. obl.) w'nw s'št 'ty w' tmb'r prw rw'n fny't (subj. 3 sg. of fny-) 'ty w' cxš' pt ny 'nxw'yt⁸ (subj. 3 sg. of 'nxw'y-). Henning, 1937: اگر پس از آن آسیبی برسد باید تن را فدای روان کند و از آین سریبچی نکند (49).

۳-۵. در پنج شاهد که چهار تا از آنها از وسنتره جاتکه و یکی از متن دوم متون سعدی پاریس است، برغم حضور حرف ربط (ZY) فعل تابع به صورت مصدر ظاهر شده است. در چهار مورد تنها فعل تابع مصدر ماضی است، اما در یک مورد که افعال تابع بیش از یک عدد هستند نخستین، مصدر ماضی و مابقی مصدر مضارع اند:

VJ 238-239: w'n'kw w'β s'ct 'PZY šy βγ' ZKn t'yh pwš γwn'kt cšmt' knt (past inf. of knt)

چنین گفت: باید ای سرور، چشمان زرد لجیاز او را کند (Benveniste, 1946: 17-18) قریب.

(۱۲۸۳: ۶۸)

VJ 242-243: KZNH w'β s'ct 'PZY šy ZNH δst' p̄ywsty (past inf. of 'pywst)

چنین گفت: باید دستهای او را برید (Ibid: 18) همان.

VJ 245-246: KZNH w'β s'ct ZY šy βγ' ZKH p'δt p̄yw'st (past inf. of 'pyw'st)

چنین گفت: باید ای سرور، پاهای او را قطع کرد (Ibid: همان).

VJ 249-251: KZNH w'β s'ct ZY šy βγ' pr RBk r'ðh pr ptš'nkh wst't (past inf. of 'wst't)

rtyšw 'M p'ððty βr'γšy (pres. inf. of βr'γš-) rty šw cnn pry'nh prym 'zw'nh pr'c'k wn'y (pres. inf. of wn-)
 چنین گفت: باید ای سرور، در بزرگراه او را بر دار کرد و بدن او را با پیکان‌ها سوراخ نمود (*Ibid*).
 همان).

P2.218-219: rty Zk 'wzy'n s'st 'PZY wywrt (past inf. of 'wywrt)
 باید کشتار را ترک کرد (Benveniste, 1940: 13).

k'm- .۴

این فعل که امکان بروز به صورت فعل تام و فعل کمکی در ساخت فعل آینده را نیز دارا است، همزمان به عنوان فعل کمکی وجهی در مفهوم خواست و آرزو نیز کاربرد دارد. تفاوت عده این فعل با $s'c-$ به لحاظ ساختاری در این است که برخلاف $s'c-$ این فعل صرف کامل دارد و منطبق با فاعل صرف می‌شود. فعل تابع $k'm-$ نیز همانند آنچه در مورد $s'c-$ گفته شد به دو صورت مصدری یا فعل صرف شده در جملهٔ پیرو ظاهر می‌شود. هرچند هستن (2009) کاربرد $k'm$ با جملهٔ پیرو را نادرتر از کاربرد آن با صورت مصدری دانسته است، شواهد موجود از متون مسیحی آشکارا تفوق کامل بسامدی این ساخت را در این دسته از متون نشان می‌دهند. اما در متون بودایی بسامد کاربرد با مصدر چشمگیرتر است.

۱-۴. فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است:

در میان متون تنها سه مورد یافت شد که فعل تابع به صورت مصدر ماضی آمده است، اما از این سه شاهد، دو مورد محل اختلاف دانشمندان است. در زیر ابتدا تنها شاهد مورد یقین آورده می‌شود و سپس دو نمونهٔ مورد اختلاف ارائهٔ خواهد شد:

C2, 40v15: 't q'mntq' nyt (past inf. of nyt) qt šw xwž'nt.
 می‌خواهد آن (= روان) را بگیرند تا مؤاخذه‌اش کنند (Sims-Williams, 1985: 81).

BSTi, 879.7: ny yr'b'msq qt qw s' q'm'znt yty.

نمی‌دانم به کجا می‌خواستند بروند (Benveniste, 1955:307; Schwartz, 1967: 6; *Ibid*: 161).

VJ 314-315: rty yty را معادل yty در سطر ۳۱۴ و ستره‌جاتکه دانسته است: *Ibid* بتوانیست «مرا باید از kw yty cnn yr' kw yrw برای فعل $-yty$ ذکر کرده است: یکی این‌که همانند آنچه در مادهٔ ماضی t آمده، این صورت هم مادهٔ ماضی از ایرانی باستان- ita باشد. او احتمال داده است که yty در ستره‌جاتکه نیز مصدر ماضی از همین صورت باشد. دومین احتمالی که او مطرح کرده متنج از جملهٔ $yt'y$ «به دوزخ خواهد رفت» است که در آنجا ظاهراً $yt'y$ چیزی غیر از فعل مضارع التزامی سوم شخص مفرد نمی‌تواند

باشد و درنتیجه، -yt ماده مضارع است (Gershevitch, 1954: 539). هنینگ این فعل را حاصل از ریشه اوستایی -yat دانسته است (apud Gershevitch). بر این اساس گرشویچ این احتمال را نیز که yty در وستره‌جاتکه مصدر مضارع باشد، مطرح کرده است. یوشیدا yty در جمله مورد بحث را مصدر مضارع دانسته است (Yoshida, 1979: 189). اما سیمز-ولیامز مورد نخست پیشنهادی گرشویچ، یعنی مصدر ماضی بودن yt(t)y را در هر دو متن پذیرفته می‌داند (Sims-Williams, 1985: 164, note 7).

SCE 147-148: rty γwny ZKZY r'm'nt k'mt 'w γnt'kk δr'w βrt rty cγwty ''z'yt.
آنکس که همواره دوست دارد خبرهای بد ببرد، جذذ زاده می‌شود (Gauthiot & et.al, 1926: 8; MacKenzie, 1970: 22-23).

گوتیو و همکاران βrt را فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد دانسته‌اند (Gauthiot & et.al, 1928: 73). مکنزی نیز با پذیرفتن همین نظر تمایزی معنادار در ترجمه این جمله که آن را به صورت likes bearing ترجمه کرده، با تمامی جملات این متن که شامل k'm- و مصدر مضارع هستند قائل شده است. او این ساختار اخیر را همه‌جا به صورت Likes to... ترجمه کرده است. هستن با توجه به این مسئله که βrt در ساخت امکانی در سطر ۳۱۱ متن وستره‌جاتکه جزء اول ساخت واقع شده است، در اینجا نیز مصدر ماضی را پذیرفته تر دانسته است (Heston, 1976: 243). یوشیدا با این استدلال در جمله βrt در P7.178: "δcw z'ry L' s'st βrt" هیچ غم نباید خوردن «تابع s'st شده است و نیز βrt در جمله KZNH آغاز می‌شوند، نظر مکنزی را قویاً مردود و βrt را مصدر ماضی دانسته است (Yoshida, 1979: 182).

۴-۲. فعل تابع به صورت مصدر مضارع آمده است:

در متن سوترای علت و معلول اعمال، جز یک مورد که در بالا ذکر شد، k'm- به عنوان فعل و جهی در هشت نمونه باقیمانده همواره همراه مصدر مضارع آمده است. در متون سغدی پاریس از دو موردی که k'm- به عنوان فعل و جهی آمده، یکبار با مصدر مضارع و یکبار با وجه التزامی به کار رفته است. در متون بودایی کتابخانه بریتانیا نیز این فعل و جهی دوبار با وجه التزامی و دوبار با مصدر مضارع همراه شده است. اما از مجموع پانزده نمونه کاربرد این فعل در متون مسیحی به صورت فعل و جهی، در هیچ مورد با مصدر مضارع به کار نرفته است، بلکه تنها یکبار با مصدر مضارع همراه pr + pr (present inf.) آمده است. این تفاوت در بسامد کاربرد مصدر مضارع به همراه فعل و جهی k'm- بین متون بودایی و مسیحی می‌تواند از وجود تمایز نحو این دو گونه زبان سغدی به شمار آید.

SCE 56-57: rtym'sty ZKZYn ZKw δrm'yk w'γš k'mtt ny'wšy (pres. inf. of ny'wš-).

و نیز هست کسی که می‌خواهد که کلام قانون را بشنود (MacKenzie, 1970: 4-5).

SCE 303-3-4: 'PZY 'wy 'yw wy'ky L' k'mt 'skwy (pres. inf. of 'skw-).

و نمی‌خواهد در یکجا بماند (Ibid: 18-19).

P2.779-781: rtyšn ms k'd' 'yw pt̄wyn'k w'td'r ZKwh CWRH wynt rt̄sn k'mt ywr'y (pres. inf. of ywr-)

هنگامی‌که آن کشند پیکر را ببیند می‌خواهد آن را بخورد (Benveniste, 1940: 38).

Dhy 29: rty 'ky prw pt̄br'wš k'mt šm'r'y (pres. inf. of šm'r-).

آن‌که می‌خواهد [آن را] واژگون بیندیشد (MacKenzie, 1976: 54-55).

Dhu 274-275: ywn'yδ δynδ'r k'mt nyzy'y (pres. inf. of nyzy-).

فوراً دیندار می‌خواهد که [از خانه] بیرون آید (Ibid: 48-49).

مکنزی y' را فعل تمنای سوم شخص مفرد دانسته است (Ibid: 117)، حال آن‌که سایر شواهد این دسته و نیز عدم حضور حرف ربط تردیدی در نادرست بودن این نظر باقی نمی‌گذارد.

STii 6.15-16: cw qt'rt qw wyšnt s' qy q'mynt pr.ptxw'y (pr inf. of ptxw'y-) wny.

چه کرد با کسانی‌که می‌خواستند او را بکشند (Müller-Lentz, 1934: 35; Yoshida, 1979: 190; Idem, 2009: 213).

۴-۳. فعل تابع به صورت فعل صرف‌شده ظاهر شده است:

شواهد موجود حاکی از کاربرد وجوه التزامی، تمنایی و غیر محقق^۹ در جملات پیرو هستند. در این بیشترین بسامد کاربرد با وجه تمنایی و کمترین، از آن وجه نامحقق است. جالب این‌که وجه تمنایی و تنها نمونه وجه غیر محقق در این کاربرد، فقط در متون مسیحی دیده می‌شود و در متون بودایی تنها از وجه التزامی استفاده شده است.

۱-۳-۴. فعل تابع در وجه تمنایی است:

از پانزده نمونه موجود از این ساخت در متون مسیحی، نه مورد با فعل تابع در وجه تمنایی ظاهر شده است:

C2, 57v28: (q'm)ysq nwqr' y pt̄w(§)n' (q)t yrby (opt. 3 sg. of yrby-) bγ'nyq šyr'qt(y)'

اکنون می‌خواهی ای نیوشما که رحمت الهی را دریابی؟ (Sims-Williams, 1985: 121)

C2, 94r23: c'(nw q)'m'z (q)t pt̄wšty š(wy) (opt. 3 sg. of šw-).

چنین می‌خواست که پنهان برود (Ibid: 166).

C2, 94r25-26: 't c'n(w) xw q'm w'n qt pryz (opt. 3 sg. of pryz-) cn γwbty' f(y)'tr γwbty (b)'

چون می‌خواست که از احترام بگریزد، بیشتر تکریم کرده شد (Ibid).

۲-۳-۴. فعل تابع در وجه التزامی است:

پنج نمونه از این ساختار در کل متون بودایی و مسیحی به دست آمد. از این شمار، سه مورد از متون، بودایی و دو مورد از متون مسیحی است:

P2.1213-1214: 'ky KZNH k'm't 'PZY cnn wyspn'c 'βz' βwys'n (subj. 1 sg. of βwys)-

فعل تابع افعال وجهی در ...

آن کس که چنین بخواهد که از تمامی بدی‌ها رهایی یابم ... (Benveniste, 1940: 57)

Dhy 261: KZNH k'm'nt 'PZY n_yz'ym (subj. 1 pl. of 'nyz -).

چنین خواستند که «برخیزیم» (MacKenzie, 1976: 68-69 & 81)

STii 7.22-23: w'n'kw k'm'nt m'_δ ZY 'ny ''δ'k ZKw kr'n ''mtyc nšk'rt y_rβ'nt (subj. 3 pl. of γrβ-).

می‌خواهند که دیگران تفسیر راست و ناب را دریابند (Müller-Lentz, 1934: 42)

STii 1.21: q'md'mt qt 'zbdnt (subj. 3 pl. of 'zbd -).

خواستند که بگذرند (Ibid: 14).

C2, 104r9: xyd (qy ny q'm)d(')rm qt (qr)wšn (subj. 1 sg. of qrws-) pr (p)wst(w).

آن [بدکاری] که نمی‌خواهم در کتاب شرح دهم (Sims-Williams, 1985: 172)

۳-۳-۴. فعل تابع در وجه نامحقق است:

از این نمونه تنها یک شاهد و آن هم در متون مسیحی یافت شد:

C2, 60r21-22: n' q'm xw b_{yy} qt šw 'ntwxen'q wnwty (irrealis, 3 sg. of wn-).

خداوند نخواست که او را انوهرگین کند (Ibid: 127).

از آنجا که بسامد کاربرد وجهی فعل k'm- در متون بودایی و مسیحی بسیار نزدیک است، امکان مقایسه و ترسیم جدول آماری برای صورت‌های کاربرد فعل تابع در این دو دسته از متون وجود دارد:

جدول ۱

Table 1

	بعنوان k'm- فعل وجهی	مصدر مضارع	مصدر مضارع	فعل صرف‌شده	تمثیلی	التزامی	غير متحقق	Par + مصدر مضارع
بسامد در مجموع متون	۳۱	۱۱	۲	۱۶	۹	۶	۱	۱
بسامد در متون بودایی	۱۶	۱۱	۱	۴	۰	۴	۰	۰
درصد در متون بودایی	%۵۱.۶۱	%۱۰۰	%۳۳.۳۳	%۲۰	%۰	%۶۶.۶۶	%۰	%۰

ادامه جدول ۱

Table1

	بعنوان $k'm$ - فعل وجهی	مصدر مضارع	مصدر ماضی	فعل صرف شده	تمنایی	التزامی	غير حقّ	Par + مصدر مضارع
بسامد در متون مسیحی	۱۵	۰	۲	۱۲	۹	۲	۱	۱
درصد در متون مسیحی	%۴۸.۳۸	%۰	%۶۶.۶۶	%۷۵	%۱۰۰	%۳۲.۳۳	%۱۰۰	%۱۰۰

چنان‌که از جدول بالا برمی‌آید، بسامد کاربرد $k'm$ - در متون بودایی و مسیحی تقریباً برابر است (به ترتیب ۱۶ و ۱۵). از این میان آنچه دارای بیشترین و معنادارترین تفاوت است، کاربرد صدرصدی فعل تابع به همراه مصدر مضارع در متون بودایی از یازده شاهد موجود است. در درجه دوم، اهمیت کاربرد صدرصدی فعل تمنایی از نُه مورد کاربرد است؛ این بدان معنا است که در ۶۴٪ شواهد موجود تفاوت در فعل تابع قطعی است.

۵. نتیجه‌گیری

براساس آنچه در بالا آمد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظر محققان پیشین در مورد کاربرد محض دو فعل وجهی- $S.C$ - و $k'm$ - با مصدر، تنها بیانگر بخشی از واقعیت برآمده از بررسی شواهد موجود در متون سعدی است. فعل $S.C$ - علاوه بر مصدر به همراه جمله پیرو با افعال تمنایی و التزامی نیز همراه شده است. این نکته که فعل التزامی در این ساخت تنها در متون مانوی به کار رفته و در هیچ متن بودایی یا مسیحی دیده نمی‌شود، حائز اهمیت است و این مسئله که کاربرد فعل تمنایی نیز در جملات پیرو، برخلاف فعل التزامی، مختص متون بودایی و مسیحی است، اهمیت این موضوع را به لحاظ ایجاد تمايز بین زبان به‌کاررفته در متون مانوی، در تقابل با زبان متون بودایی و مسیحی، پررنگ‌تر می‌کند. عدم کاربرد مصدر مضارع به همراه فعل $k'm$ - در متون مسیحی در برابر عدم وجود نمونه‌ای از کاربرد فعل تمنایی و نامحّق به عنوان تابع این فعل در متون بودایی نکاتی هستند که به‌وضوح تفاوتی آشکار در این ساختار را بین زبان متون سعدی مسیحی و سعدی بودایی نمایان می‌کنند. در زمانی هنینگ تفاوت‌های میان لهجه‌های سعدی را نه تفاوت حاصل از بُعد جغرافیایی، بلکه نشان‌دهنده لایه‌های تحولی یک گویش واحد و یا موقعیت‌های اجتماعی متفاوت گویشوران جامعه سعدی دانست (Henning, 1958: 105ff.; Sims-Williams, 1989: 173; Yoshida, 1979: 194).

از آن زمان تاکنون جز تحقیق و تتبیع در مسائل خطی-آوابی و واژگانی و صرف تلاشی جدی در تعیین وجود تمايز و افتراق این گونه‌های مختلف زبانی پژوهشی انجام نگرفته است. از این‌رو، بررسی دقیق مسائل نحوی جهت تعیین دقیق میزان ارتباط سه گونهٔ عمدۀ این زبان و نیز میزان تأثیرپذیری زبان متون بازمانده سغدی از زبان‌هایی که اغلب این آثار از آن‌ها ترجمه شده‌اند، ضروری است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. oblique case
 2. impersonal
 3. finite verb
۴. برای مطالعه در مورد انواع مصدر در زبان سغدی، رک. Gershevitch 1954: §§ 905-934; Yoshida, R. 1979.
۵. *subjunctive*: یکی از وجه‌های فعل که بر مفاهیمی چون عدم قطعیت، تردید، احتمال و امکان وقوع فعل دلالت دارد.
۶. *optative*: یکی از وجوه فعل که بر مفاهیمی همچون آرزو، دعا، درخواست دلالت دارد. Heston, 1976: 213.
۷. در مورد برداشت معنای مجهولی از دو جملهٔ اخیر رک. (Henning, 1937: 49, footnote 15).
۸. هنینگ این واژه را صورت مغلوط *'y'nxw* دانسته است (Henning, 1937: 49, footnote 15).
۹. *irrealis*: یکی از مفاهیم وجودی که بر غیر واقعی بودن، فرضی بودن یا نادرست بودن گزاره دلالت دارد.

۷. منابع

- قریب، بدرازمان (۱۳۸۲). *روایتی از تولد بورا* (متن سغدی و ستره‌جاتکه). تهران: اسطوره.
- Benveniste, E. (1940). *Textes Sogdiens. Édités, Traduits et Commenté*. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- ----- (1946). *Vessantara Jātaka, Texte Sogdien. Édité, Traduit et Commenté*. Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- ----- (1955). “Études sur quelques textes sogdiens chrétiens I”. JA. 243. Pp. 298-335.
- Gauthiot, R.; P. Pelliot & E. Benveniste. (1926 & 1928). *Le Sūtra des Causes et des Effets II-III*. Paris: Lirairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Henning, W. B. (1937). *Ein Manichäisches Bet-und Beichtbuch*. Berlin: Verlag der Akademie der Wissenschaften.
- ----- (1958). “Mitteliranisch”. *Handbuch der Orientalistik*. ed. By B. Spuler. Abt.

1. Band 4. Iranistik. Linguistik. Leiden-Köln. Pp. 20-130.
- Livšic, V. (2008). *Sogdiyskij Epigrafika Sryedney Azii I Semirečiya. Sankt-Pyetyerburg*. Filologičeskiy Fakul'tet Sankt-Pyetyerburgkogo Universiteta.
 - Müller, F. K. W. & W. Lentz. (1934). *Soghdische Texte II. SPAW 21*. Berlin: Verlag der Akademie der Wissenschaften.
 - Müller, F. K. W. (1912). *Sogdische Texte I*. Berlin: Abhandlung der Preussischen Akademie der Wissenschaften.
 - Sims-Williams, N. (1985). *The Christian Sogdian Manuscript C 2 (BTT 12)*. Berlin: Akademie-Verlag.
 - ----- .(1989). “Sogdian”. *Compendium Linguarum Iranicarum*. ed. By Rüdiger Schmitt. Wiesbaden. Dr Ludwig Reichert Verlag. Pp. 173-192.
 - Sundermann, W. (1985). *Ein manichäisch-soghdisches (BTT 15)*. Berlin: Akademie-Verlag.

References:

- Benveniste, E. (1940). *Sogdian Texts, Edited, Translated and Commentd*. Paris. Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- ----- . (1946). *Vessantara Jātaka, Sogdian Text, Edited, Translated and Commentd*. Paris. Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- ----- . (1955). “Studies on some christian -sogdian texts I”. *Journal Asiatique* 243. Pp. 298-335 [In French].
- Gauthiot, R. & P. Pelliot & E. Benveniste (1926 & 1928). *The Sutra of the Causes and Effects II-III*. Paris Orientalist Library of Paul Geuthner [In French].
- Gershevitch, I. (1954). *A Grammar of Manichean Sogdian*. Oxford: Basil Blackwell.
- Gharib, B. (2010). A Narration of Buddha’s Birth, Sogdian Text of Vessantara Jātaka. Tehran: Nashre Osture [In Persian].
- Hansen, O. (1930). *Berliner Sogdische Texte I*. Bruchstücke der einer Sogdischen Version der Georgspassion (C1). Berlin: Abhandlung der Preussischen Akademie der Wissenschaften.
- Henning, W. B. (1937). *A Manichaean Prayer-and-Confession Book*. Berlin: Publisher of the Academy of Sciences [In German].

- ----- .(1958). “Middle Iranian”. *Handbook of Oriental Studies*. ed. By B. Spuler. Abt. 1. Vol. 4. Iranian. Linguistic. Leiden-Köln. pp. 20-130 [In German].
- Heston, W. L. (1976). *Selected Problems in Fifth to Tenth Century Iranian Syntax*. unpublished Ph.D. Dissertation. Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Livšic, V. (2008). *Sogdian Epigraphies of Central Asia and Smircia*. St. Petersburg. Faculty of Philology of St. Petersburg University [In Russian].
- MacKenzie, D. N. (1970). *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions*. in Sogdian. London: Oxford University Press.
- ----- .(1976). *The Buddhist Sogdian Texts of the British Library* (Acta Iranica 10). Téhéran-Liège.
- Müller, F. K. W. & W. Lentz (1934). “Sogdian texts II”. *Sessian of the German Academy of Scienses* 21. Pp. 502-607 [In German].
- Müller, F. K. W. (1912). “Sogdian texts I”. *Treatise of the German Academy Of Sciences* [In German].
- Schwartz, M. (1967). *Studies in the Texts of the Sogdian Christians*. Unpublished Ph.D. Dissertation. California: University of California. Berkeley.
- Sundermann, W. (1985). *A Manichaean Sogdian Parablebook* (BTT 15). Berlin: Akademie-Verlag [In German].
- Yoshida, Y. (1979). “On the Sogdian Infinitive”. *Journal of Asian and Africian Studies*. 18. Pp. 181-195.
- ----- .(2009). “Sogdian”. *The Iranian Languages*. ed. by Gernot Windfuhr. London and New York: Routledge .Pp. 279-336.